





مکتب کمالالملک

شهرز مهر مجری

ویراستار: بهرام فرهمندی

چاپ نخست: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: نقش سبز - چاپ و صحافی

نشر پیگروه: تهران، خیابان آزادی، ابتدای آذربایجان پلاک ۱۰۳۴

تلفن: ۶۶۰۳۸۴۱۹ فکس: ۶۶۰۳۸۴۲۶

www.peikarehpub.ir

E-mail: info@peikarehpub.ir

با حمایت:



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه: مهر، شهرز، ۱۳۴۳، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: مکتب کمالالملک، شهرز مهر، محمدحسن حامدی:
با حمایت سازمان زیباسازی شهر تهران، موزه مکتب کمالالملک، معاونت فرهنگی دانشگاه تهران.
مشخصات نشر: تهران: پیگروه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص:، مصور رنگی.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۸-۲۷-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: نقاشان ایرانی -- قرن ۱۳ ق. -- سرگذشته
موضوع: نقاشان ایرانی -- قرن ۱۳ -- سرگذشته
موضوع: هنر -- تاریخ
شناسه افزوده: حامدی، محمدحسن، ۱۳۴۹ - - گردآورنده
شناسه افزوده: فرهمندی، بهرام، ویراستار
شناسه افزوده: سازمان زیباسازی شهر تهران
شناسه افزوده: موزه مکتب کمالالملک
شناسه افزوده: دانشگاه تهران، معاونت دانشجویی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره: ۷۵۹/۹۵۵
رده‌بندی دیوپی: ۷۵۹/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۱۳۳۵

فهرست

مروری بر آموزش هنر در ایران	۸
علی‌اکبرخان مزین‌الدوله	۱۴
میرزا ابوتراب غفاری کاشانی	۱۶
میرزا محمد غفاری کاشانی (کمال‌الملک)	۱۸
حسینعلی وزیری	۲۰
اسماعیل آشتیانی	۲۲
ابوالحسن صدیقی	۲۴
علی محمد حیدریان	۲۶
علی محمودی کاشانی	۲۸
علی‌اکبر یاسمی	۳۰
علی رخساز	۳۲
حسین شیخ	۳۴
صدرالدین شایسته شیرازی	۳۶
حسینعلی مؤیدپردازی	۳۸
عفت‌الملوک خواجه‌نوری	۴۰
شوکت‌الملوک شقاقی	۴۲
میکائیل (میشا) شهبازیان	۴۴
مارکار قرابگیان	۴۶
محسن سهیلی	۴۸
مهدی تائب	۵۰
هادی تجویدی	۵۲
جمشید امینی	۵۴
یحیی میرزا دولتشاهی	۵۶
محمود اولیاء	۵۸
محسن مقدم	۶۰
اسکندر مستغنی	۶۴
علی کریمی	۶۶
رضاشاهی	۶۸
غلامعلی صف‌ناصري	۷۰
علی‌اکبر غزنوی	۷۲
علی‌اکبر غزنوی	۷۴
هارطون (آرتو) میناسیان	۷۶
عباس کاتوزیان	۷۸
میرمصور ارزنگی	۸۰
رستم ارزنگی	۸۲
علی‌اصغر پتگر	۸۴
جعفر پتگر	۸۶
مصطفی نجمی	۸۸
رضا صمیمی	۹۰
احمد بهاور	۹۲
دوستعلی معیرالملک	۹۴
احمد اشتری	۹۶
محمود هدایت	۹۸
علی‌اکبر نجم‌آبادی	۱۰۰
مهدی سجادی	۱۰۲
هوشنگ پیمانی	۱۰۴
گزیده‌ای از مآخذشناسی مکتب کمال‌الملک	۱۰۶



اشاره

طراحی و تأسیس «موزه‌ی کمال‌الملک» را می‌بایست یکی از اقدامات مؤثر و تحسین‌برانگیز شهرداری تهران در توسعه‌ی اماکن فرهنگی و تفریحی در سال ۱۳۹۲ به شمار آورد. پوشش گسترده‌ی اخبار، استقبال عمومی و تأیید مراکز علمی و پژوهشی از این اتفاق، از همان ابتدا نشانه‌های روشنی از حساسیت‌ها و اشتیاق جامعه در خصوص میراث فرهنگی به دست می‌داد. این اتفاق که با همکاری دو نهاد علمی و مردمی یعنی دانشگاه تهران و سازمان زیباسازی شهر تهران انجام پذیرفت؛ از آنجا که در خاستگاه اصلی خود یعنی «باغ نگارستان» قرار داشت، به عنوان «موزه‌ی کمال‌الملک» شناخته شد؛ چه آنکه استاد کمال‌الملک در سال ۱۲۸۹ شمسی در همین محله «مدرسه‌ی صنایع مستظرفه» را تأسیس نموده بود و اکنون با این اقدام، دستاوردهای هنری این مدرسه به منظر عموم قرار می‌گرفت. البته فضای زیبای باغ نگارستان در تمام این ایام هرگز از فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خالی نبوده و همچنان خاطره‌ی حضور اساتید بزرگ دانشگاه تهران و پرورش هنرمندان برآمده از این مدرسه را در خود محفوظ داشته که این نکته نیز به زیبایی، غنا و معنای این فضای هنرآموز را می‌زند.

بدیهی است که شکل‌گیری موزه‌ای چنین ارزشمند نمی‌توانست از پشتوانه‌های علمی و مدیریتی پژوهش خالی باشد. لذا اقداماتی در این راستا شکل گرفت که مجموعه‌ی پیش‌رو یکی از آنهاست. کتابی که به صورت اجمالی به معرفی هنرمندان و آثار این مکتب و گزیده‌ی مآخذشناسی این مجموعه پرداخته است. این کتاب به خواستاری سازمان زیباسازی شهر تهران به سرانجام رسید و بدین سبب تمام آثار انتخابی کتاب به‌جز چند مورد که با عنوان «مجموعه‌ی خصوصی» آورده شده، از آثار این موزه اخذ شده تا با این انتخاب گامی نیز در معرفی جامع آثار موزه‌ی مکتب کمال‌الملک برداشته شود.

در اینجا لازم است تشکر وافر خود را از سازمان زیباسازی داشته باشیم؛ خصوصاً مدیریت این سازمان جناب آقای دکتر کامیاب و همچنین معاونت فرهنگی دانشگاه تهران به خاطر در اختیار گذاشتن عکس‌ها و پاره‌ای از اطلاعات مورد نیاز.

نشر پیکره

مروری بر آموزش هنر در ایران

موجودیت، تداوم و آموزش هنر در ایران تا اوایل قرن دوازدهم هجری قمری، همواره بر سنتی دیرپا، استوار بوده است.

استاد نقاش، مذهب و... شاگردی را که بعضاً از نزدیکان خود بود، به کارگاهش فرامی‌خواند و به‌مرور او را در کارها داخل و رموز هنر را به وی می‌آموخت. بدیهی است در این شیوه، که گاه پدیده‌ای نو بروز می‌کرد و خلاقیتی بدیع، متاع هنر را افزون‌تر از پیش، عرضه می‌نمود.

در نیمه‌ی اول قرن دوازدهم هجری قمری، اذهان امرای حکومت ایران، متوجه کهنگی ابزار و معیارهای قدیمی حاکم بر جامعه‌ی خود شد و ضرورت کسب تجارب جهانی را مسأله‌ای غیرقابل انکار تلقی نمود؛ که البته این تغییر، آموزش هنر را نیز شامل می‌شد. عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، که پس از این در چندین نوبت، شکست و پیروزی ارتش خود را در مقابل جنگاوران روس تجربه کرد، اولین شخصیتی بود که با درک این مسأله‌ی حیاتی، ضرورت کسب معارف جهانی را در دستور کار خود قرار داد و نخبگانی را به منظور تحصیل، به خارج از کشور اعزام نمود؛ و عجیب آن که این قصد در او، گام با سفر دو تن رقم خورد که یکی، برای تحصیل نقاشی و دیگری، برای طب بود. در واقع سر دربار محمدجواد جوهر، سفیر انگلستان، در پایان مأموریت خود، حسب ارادتی که به عباس‌میرزا است، سال ۱۸۱۱ میلادی دو نفر از نزدیکان وی به نام‌های محمدکاظم (پسر نقاش‌باشی عباس‌میرزا) و میرزا افسار (پسر یکی از افسران) را با خود به لندن برد و برای تعلیم آنان، استادان توانمند را به خدمت فراوان نمود.

این گزینش ویژه شاید در آن مشروط به این باشد که عباس‌میرزا علاقه‌ی وافری به نقاشی و اشیاء هنری داشت، قابل توجه باشد. سرهنگ گاسپار بیل، که در سال ۱۸۱۳ میلادی خاطرات خود را از سفر به ایران نگاشته است، روایت می‌کند: «عباس‌میرزا به‌ویژه در مورد نقاشی و تابلوهای نقاشی و گراورها و نقشه‌ها، ماشین‌ها و مدل‌های مختلف آن علاقمند است. شاید کلکسیون او در این رشته‌ها در تمام آسیا منحصر به فرد باشد». متأسفانه میرزا کاظم پس از هجده‌ماه اقامت در لندن، در چهارم ربیع‌الاول ۱۲۲۸ هجری قمری، بر اثر بیماری سل، وفات یافت؛ و این در حالی بود که درازش‌ها، به ندرت شرف‌وی در فراگیری نقاشی می‌داد. دومین پروژه‌ی ناتمام اعزام هنرجویان نقاشی، در این توسط شخصی به نام میرزا رضا رقم می‌خورد. او جزو چهارمین گروه از دانش‌آموزان اعزامی به اروپا بود که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری راهی سفر شد. محمدشاه قاجار او را به قصد آموختن پاساژ، چینی‌سازی و صنعت قند و شکر سازی انتخاب نموده بود؛ اما در حاشیه‌ی فرمان خود می‌نویسد: «چون به‌تجربگی نقاش است، در نقاشی هم می‌تواند کار کند».

این گروه نیز طی اقامت خود در پاریس نتوانست نتیجه‌ی مطلوبی از تحصیل کسب کند؛ چراکه وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۸۴۸/م ۱۲۶۴ ق، به‌هم خوردن اوضاع آن کشور و درگرفتگی محمدشاه، مانع از موفقیت آنان گردید.

محمدشاه، نقاش‌باشی مستعد دیگری نیز در دربار داشت که در واپسین سال‌های حکومت خود امکانات اولیه‌ی تحصیل نقاشی را برای وی فراهم نمود؛ «ابوالحسن غفاری، که هنرمندی تالان‌جو و مستعد بود، بنابر تمایلی که برای پیشرفت و تعالی هنر خود داشت، بر آن شد که سفری به اروپا را مرکز هنری اروپا در آن روزگار، بکند و آثار نقاشان بزرگ و معروف اروپایی، به‌ویژه دوره‌ی رنسانس را از نزدیک مشاهده و مطالعه نماید و با طرز کار و شیوه‌ی نقاشی آنان آشنا گردد. از این‌رو همت و سرمایه‌ی خود را با مساعدت‌های محمدشاه... رهسپار کشور ایتالیا شد». ابوالحسن غفاری، که سودایی جز تحصیل هنر در سر نداشت، پس از چند سال تحصیل، محتملاً در سال ۱۲۶۶ هجری قمری به ایران بازگشت، درحالی‌که، علاوه بر تجربیات تازه، در چمدان خود، «مقداری وسایل نقاشی و باسمه‌های رنگی و گراورهای فراوان از کارهای استادان اروپایی مانند میکل‌آنژ، رافائل و تیسین با خود داشت، که بعدها در تشکیل هنرستان نقاشی مورد استفاده قرار گرفت».

پس از بازگشت به وطن، «مجمع‌الصنائع» او لین محل خدمت وی بود که بر جمعی از نقاشان و صحافان و مذهبیان، نظارت می‌کرد تا تصویرسازی کتاب بی‌بدیل «هزارویک شب» شکل پذیرفت؛ اما آنچه عنوان بلند «صنیع‌الملک» را - از ناصرالدین‌شاه قاجار و پدر هنر گرافیک را از تاریخ هنر ایران -